

حیثی تفسیر اقتصادی قرآن کریم و رویکردهای مختلف آن^۱

سید مهدی معلمی^۲

چکیده

در دوران معاصر، با بروز مشکلات اجتماعی ناشی از تحولات دوران جدید، برخی اندیشمندان مسلمان، بر آن شدند با محور قرار دادن آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم، اندیشه اقتصادی اسلام را تبیین کنند. در این میان، برداشت‌های متفاوت از ماهیت تفسیر اقتصادی قرآن کریم، سبب بروز اختلاف‌هایی در تبیین آموزه‌های این کتاب آسمانی شده است. از این رو، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ماهیت و تمایز تفسیر اقتصادی قرآن کریم با دیگر گرایش‌های تفسیری را تبیین می‌کند و جایگاه علوم اقتصادی در رویکردهای مختلف تفسیر قرآن کریم را روشن می‌سازد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، علوم اقتصادی معاصر، بدون قواعد کلی تغییرناپذیر است و بر روش تفسیر برای کشف معانی آیات قرآن کریم تأثیر چندانی ندارد، اما در شرح

^۱. تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۹

معانی و یافتن مصداق‌های آن به عنوان گرایش تفسیری، می‌تواند اثرگذار باشد. همچنین، تفسیر اقتصادی با دیگر گرایش‌های تفسیر، در موضوع، اهداف و غایت‌ها و نیز در شرایط اختصاصی مفسر، تمایز دارد. رویکردهای مختلف توصیفی، تبیینی، خرد، کلان، هنجاری و سیستمی نیز می‌تواند در ذیل این گرایش، به تبیین بهتر آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم کمک فراوان کند.

واژگان کلیدی: تفسیر اقتصادی قرآن کریم، گرایش تفسیری، رویکرد تفسیر اقتصادی.

مقدمه

در چند سده اخیر، الگوهای اقتصادی مطرح شده در جوامع غربی، به لحاظ برخی اهداف، مبانی و سازوکارهای آن، با مبانی و ارزش‌های اسلامی، ناسازگار تلقی شد. از این رو، اندیشمندان کشورهای اسلامی، بر ضرورت طراحی الگوی اصیل اقتصاد اسلامی تأکید کردند.

در این میان، قرآن کریم، متناسب با اهداف متعالی خود که تحقق حیات طیبه و عدالت در جامعه و هدایت انسان‌ها به قرب الی‌الله است، به شکل معناداری به مباحث اقتصادی می‌پردازد. چنانچه این مضامین، خالی از تفسیر به رأی و به صورت صحیح دریافت شود، می‌تواند ضمن تبیین جلوه‌ای از راز جامعیت و فرازمانی بودن قرآن کریم، زمینه‌ساز تحول در آرای اقتصاددانان و اصلاح رفتارهای اقتصادی در جامعه گردد.

از این منظر، مقام معظم رهبری (مد ظله) بر ضرورت تبیین علوم انسانی بومی و این نکته اشاره دارد که پارادایم‌های دینی به ویژه رهیافت وحی، مبنای‌ترین مرجع تصمیم‌گیری نگاه مطلوب است. (بیانات معظم له در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸ و ۱۳۸۸/۷/۲۸)

آنچه در نخستین گام سهم، بسزایی در مباحث قرآن‌پژوهی در حوزه اقتصاد دارد، شناخت «چیستی تفسیر اقتصادی» است که مسئله اصلی این پژوهش نیز هست. از این رو، در مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن آشنایی با کاربردهای «تفسیر

اقتصادی» در آثار علمی، رویکردهای تفسیر اقتصادی قرآن کریم و تمایز تفسیر اقتصادی با دیگر گرایش‌های تفسیری، برای درک صحیح از چپستی تفسیر اقتصادی ارائه می‌دهد.

ادبیات پژوهش

در قرن اخیر، قرآن‌پژوهان اقبال فراوان به تفسیر قرآن کریم با گرایش اجتماعی داشته‌اند. از دیدگاه آنان، بهترین راه حل برای مشکلات اجتماعی ناشی از تحولات دوران جدید، مراجعه به قرآن کریم است. از ویژگی‌های این‌گونه تفاسیر، پیروی نکردن از شیوه تفسیری پیشینیان است که بیشتر متکی به روایات، آیات و لغت است. این گرایش، براساس یافته‌هایی از قرآن، مباحث مورد نیاز جامعه خود را بررسی می‌کند تا مشکلات اجتماعی عصر خود را حل کند و یا دین را به شکل جدیدی متناسب با زمان مطرح سازد.

در این میان، مشکلات اقتصادی به ویژه پس از تقابل مکاتب اقتصادی کمونیسم و سرمایه داری در قرن اخیر، سبب شد برخی اندیشمندان مسلمان، اندیشه اقتصادی اسلام را با محور قراردادن آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم تبیین کنند. اگرچه تاکنون تفسیر ترتیبی با گرایش اقتصادی نگاشته نشده، تفاسیر موضوعی فراوانی در حوزه قرآن و اقتصاد منتشر شده است. برای نمونه، رفیق یونس المصری (۱۴۲۶ه.ق) در الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم اعتقاد دارد که برخی نکات اقتصادی قرآن، از مصداق‌های اعجاز علمی است.

سیدمحمدکاظم رجایی (۱۳۸۲) در کتاب معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، به طور کلی اصل مباحث اقتصادی مانند تولید، توزیع و مصرف در قرآن کریم را طرح و بررسی می‌کند.

مهدی هادوی تهرانی (۱۳۸۸) در کتاب ساختار کلی نظام اقتصادی اسلام در قرآن، به دنبال ارائه اندیشه مدون اسلام در حوزه آیات اقتصادی قرآن کریم است.

محمدحسین ابراهیمی (۱۳۷۵) در کتاب اقتصاد در قرآن، مباحث تولید، توزیع، مصرف و رشد اقتصادی در قرآن کریم را بررسی می‌کند.

محمد محمدی ری‌شهری (۱۳۸۲) در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، بر آن

است تا با ارائه مجموعه دیدگاه‌های اسلام درباره توسعه و به ویژه تبیین توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، جهان‌شمولی اسلام را نشان دهد و از برتری آن بر مکاتب دیگر در عرصه توسعه - که بر پایه مادی استوارند - حکایت کند.

برخی کتب و مقاله‌ها نیز تنها موضوعی خاص در قرآن کریم را بررسی کردند، مانند: آثار علی اصغر هادوی نیا (۱۳۸۷)؛ سیدمحمد شفیعی مازندرانی (۱۳۸۸)؛ ابوالفتح عزیزی ابرقویی (۱۳۹۲)؛ علی متین (۱۳۹۰)؛ جواد بیک‌محمدی (۱۳۹۱)؛ سیداحسان خاندوزی (۱۳۹۰) و جواد ایروانی (۱۳۸۳).

انتشار این آثار، زمینه‌ای شد تا برخی قرآن‌پژوهان مباحث روش‌شناختی مطالعات اقتصادی در قرآن کریم را ارائه دهند.

مهدی رستم‌نژاد و سیدمفید حسینی کوهساری (۱۳۸۸) در مقاله مختصری با عنوان «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی»، ابتدا اصول و مبانی بنیادین همچون لزوم تناسب روش‌ها با اهداف، مبانی و اصول اقتصاد اسلامی، لزوم تناسب هدف مشروع با روش مشروع، خصوصیت چندروشی در اقتصاد اسلامی، وجود امور ثابت و متغیر در اقتصاد اسلامی، وجود اوامر ارشادی و مولوی، تأثیر زمان و مکان در اقتصاد، تأثیر گستره مذهب بر اقتصاد اسلامی، تأثیر عقل در استنباط قوانین اقتصادی و وجود عناصر موقعیتی و جهان‌شمول را به‌منظور قوام و عمق‌بخشی به مباحث روش‌شناسی مطرح می‌کند. سپس با توجه به این اصول و مبانی، روش استقراء، روش تفسیر موضوعی بیرونی، روش بهره‌گیری از قضایای اقتصادی اخباری اسلامی، روش امضاء، روش کشف، روش نظام‌مند و روش تأسیس را برای مطالعات اقتصاد اسلامی، در پژوهش‌های قرآنی پیشنهاد می‌دهد.

به نظر می‌رسد، نویسندگان این مقاله، از سویی دچار خلط مفاهیم روش و روش‌شناسی شده و از سوی دیگر، به دلیل معین نبودن مفاهیم به کار رفته در پژوهش، برخی اصول را به عنوان روش و برخی مبانی را به عنوان اصول مطرح کرده‌اند.

محمدسجاد ابراهیمی (۱۳۹۱) نیز در پایان نامه «روش‌شناسی قرآن‌پژوهی در اقتصاد

اسلامی - مطالعه موردی، نقش دولت در اقتصاد»، ابتدا می‌کوشد ثابت کند که اقتصاد اسلامی، تنها در صورت استفاده از دو منبع معرفتی، یعنی نقل و عقل ناب (پیراسته از وهم و خیال و هواهای نفسانی)، می‌تواند علم باشد. سپس ضرورت توجه به ابعاد فردی، خانوادگی، ملی و بین‌المللی نظام اقتصاد اسلامی را بیان می‌کند. نکته دیگری که نویسنده بر آن تأکید دارد، بررسی مبانی غایی و فاعلی موضوع‌های اقتصادی از دیدگاه قرآن، به عنوان پیش‌نیاز ورود به تفسیر اقتصادی، به صورت نظام‌مند و اصولی است.

اگرچه پدید آمدن چنین آثاری، برای شروع مباحث روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم ارزشمند است، ولی به دلیل حجم کم مقاله‌ها، بسیاری از مباحث به صورت سطحی ارائه شده و به برخی مباحث مانند «چیستی تفسیر اقتصادی» توجهی نشده است. دبیر ترتیب، برای موضوع این پژوهش نیز نمونه مستقل مشابهی یافت نشد.

کاربرد «تفسیر اقتصادی» در آثار علمی

در ادبیات علمی معاصر، اصطلاح «تفسیر اقتصادی» با توجه به متعلق خود، در دو معنا به کار می‌رود:

۱. تفسیر اقتصادی پدیده‌های اجتماعی

گاه «تفسیر اقتصادی» درباره پدیده‌های اجتماعی مطرح می‌شود. بسیاری از کنش‌ها و تحولات اجتماعی، دارای «جهت اقتصادی» هستند، بدین معنا که متأثر از ملاحظات اقتصادی‌اند. انگیزه‌های اقتصادی در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی مانند جنگ، صلح، فرهنگ و نیز در شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اثرگذار است. با این پیش‌فرض، تبیین اثرگذاری روابط و انگیزه‌های اقتصادی بر پدیده‌های اجتماعی، به عنوان تفسیر اقتصادی آن پدیده قلمداد می‌شود.

مشهورترین نظریه‌ها در تفسیر اقتصادی تحولات جامعه، به مارکسیست‌ها، نئومارکسیست‌ها تعلق دارد. آنان در تفسیر اقتصادی تحولات اجتماعی، به طور افراطی،

پدیده‌های اقتصادی را زیربنا می‌دانستند و حقوق، فرهنگ و سیاست را روبنا. (پیتز، ۱۳۶۰، ص ۲۶۵)

اگرچه امروزه دیدگاه‌های افراطی مانند تحلیل تاریخی مارکسیست‌ها بر اساس تحولات اقتصادی، کمتر در آثار علمی دیده می‌شود، اما گرایش به تفسیر انواع پدیده‌های اجتماعی همچون انتخابات‌ها، تغییر فرهنگ، تحولات سیاسی، عادات و آداب اجتماعی، بر اساس مبانی نیازهای اقتصادی، در بسیاری از مقاله‌ها و آثار علمی به چشم می‌خورد.

۲. تفسیر اقتصادی قرآن کریم

همان‌گونه که در پیشینه پژوهش مطرح شد، در دهه‌های اخیر، اصطلاح «تفسیر اقتصادی قرآن»، در کنار دیگر تفاسیر تخصصی میان‌رشته‌ای قرآن کریم مانند تفسیر تربیتی، تفسیر سیاسی، تفسیر حقوقی، تفسیر مدیریتی، تفسیر روان‌شناختی، تفسیر جامعه‌شناختی، تفسیر تاریخی و تفسیر نجومی مطرح شده است.

پرسش اساسی این است که اضافه شدن واژه «تفسیر» به هر یک از عنوان‌های پیش‌گفته، به چه نکته‌ای اشاره دارد؟ آیا ایفای نقش علوم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، تربیتی و... در «روش» تفسیر، سبب چنین نامگذاری شده یا مقصود آنان، گرایش مفسر به هر یک از علوم پیش‌گفته است؟

روش‌های تفسیری، بر اساس منابع تفسیر مانند قرآن، عقل، روایات و نکات ادبی و تاریخی شکل می‌گیرند و درصدد کشف معانی آیات هستند، اما گرایش‌های تفسیری، در حقیقت شرح معنای به دست‌آمده با استفاده از روش‌های تفسیری است، یعنی بر اساس منابعی خاص، معنایی برای آیات به دست می‌آید و مفسر برای شرح آنچه استنباط کرده است، از علوم مختلفی استفاده می‌کند. این مرحله که مرحله شرح، توضیح و تطبیق معانی آیات است، گرایش‌های تفسیری را شکل می‌دهد. در این مرحله، دیگر مفسر از مرحله فهم اولیه آیات می‌گذرد و درصدد شرح آیات است، یعنی آنچه را یافته، به زبان علوم مختلف شرح و گسترش می‌دهد. به دیگر سخن، تفسیر آیه، به کمک روش‌های

تفسیری حاصل می‌شود و گرایش‌ها شرح و بسط‌دهنده معنای آیات هستند. (قربان‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲)

اگر کاربست هریک از علوم پیش‌گفته، در شرح معانی آیات، اندک باشد، نشان‌دهنده گرایش خاصی برای این تفسیر نیست. برای نمونه، اگر عارفی در نگارش تفسیر قرآن، در موارد اندکی مباحث عرفانی را مطرح کرده باشد، این موارد اندک، نشان‌دهنده گرایش عرفانی این تفسیر نخواهد بود؛ هرچند مفسر، خارج از تفسیرش دارای گرایش عرفانی باشد. (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵) برای نمونه، فیض کاشانی در موارد اندکی از التفسیر الصافی گرایش عرفانی دارد، اما این موارد کم، آن را به عنوان تفسیری با گرایش عرفانی مطرح نخواهد کرد. بنابراین، فراوانی این‌گونه مطالب نیز در وجود یک گرایش برای یک تفسیر، موضوعیت دارد.

براین اساس، با توجه به اینکه یافته‌های علوم اقتصادی معاصر، مربوط به جوامع کنونی است و نیز بدون قواعد کلی تغییرناپذیر هستند، تأثیر چندانی بر کشف معانی آیات قرآن کریم ندارد و تنها در شرح معانی و یافتن مصداق‌های آن به کار می‌رود، در نتیجه، مقصود از «تفسیر اقتصادی قرآن کریم»، تفسیر با گرایش اقتصادی است. مفهوم گرایش اقتصادی و انواع رویکرد در تفسیر اقتصادی را در ادامه بیان می‌کنیم.

گرایش اقتصادی در تفسیر قرآن

باور به اینکه قرآن کریم کتاب هدایت بشر است،^۳ از دیرباز سبب شده است، مفسران قرآن کریم، به سوی مطالبی گرایش پیدا کنند که ارتباط بیشتری با پاسخ ابهام‌ها و پرسش‌های ذهنی و دغدغه‌های علمی خود دارد.

^۳ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره: ۲)؛ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنُ (بقره: ۱۸۵)؛ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ (انعام: ۱۵۷)

در دوران معاصر نیز با پیچیده‌شدن روابط اجتماعی و نیز بروز انواع معضلات و مشکلات اجتماعی، گرایش‌های اجتماعی از پر رونق‌ترین گرایش‌های تفسیری قلمداد می‌گردد. در این گرایش‌ها، مفسران اهتمام خود را برای حل انواع مشکلات اجتماعی در حوزه های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... در پرداختن به تفسیر آیات می‌کنند. از دیدگاه آنان هیچ کتاب آسمانی به وسعت قرآن، به بیان انواع مسائل اجتماعی نپرداخته و مسائل مربوط به زندگی اجتماعی انسان را از منظر الهی بیان نکرده است. همچنین، هیچ کتاب آسمانی مانند قرآن، رابطه انسان را با یکدیگر در زندگی فردی و اجتماعی و رابطه انسان را با خدا، بحث و تحلیل نکرده است. (مودب، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰)

در میان مسائل اجتماعی، امور اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از سویی استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در برابر حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و نیز ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشلات و رفع کمبود های اقتصادی آن جامعه دارد. از سوی دیگر، اصلاحات اقتصادی، زمینه‌ساز اقدامات اصلاحی در حوزه‌های دیگر اجتماعی می‌گردد.

گرایش اقتصادی در تفسیر قرآن کریم، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های گرایش اجتماعی، بسیاری از مطالب مربوط به ابعاد اقتصادی زندگی بشر را بیان می‌کند. در این گرایش، بیشتر به آیاتی از قرآن پرداخته می‌شود که مسائل اقتصادی را بیان می‌کند. درضمن، به مشکلات اقتصادی مسلمانان توجه می‌کنند و آیات قرآن را بر زندگی ایشان تطبیق می‌دهند و درمان مشکلات اقتصادی را نیز در قرآن جست‌وجو می‌نمایند.

تمایز تفسیر اقتصادی با دی‌گر گرایش‌های تفسیری

مسائل یک علم، عبارت است از گزاره‌های مختلف و متنوع ارائه‌شده در یک دانش که مباحث، مطالب و نتایج نیز نامیده می‌شود.^۴ آنچه سبب وحدت این گزاره‌ها زیر چتر یک

^۴. تنوع این نامها به سبب حیثیت‌های گوناگونی است که در این گزاره‌ها وجود دارد؛ آن‌گونه که قطب‌الدین رازی علت تفاوت

علم می‌گردد، وحدت موضوع یا محمول و یا غرض آن گزاره‌ها است و با همین معیار نیز از دیگر علوم تمایز می‌یابند.

بی‌تردید، تفسیر اقتصادی، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های تفسیر قرآن کریم با رویکرد علوم انسانی، وجوه مشترک فراوانی در مبانی، اصول و روش‌ها با دیگر گرایش‌های تفسیری مانند تفسیر تربیتی، اجتماعی، حقوقی، فقهی، فلسفی و کلامی دارد. با این همه، به لحاظ محتوا از جهت موضوع و غایت گزاره‌ها در این تفاسیر تمایزهایی وجود دارد. گفتنی است، به لحاظ شرایط مفسر نیز می‌توان تفاوت‌هایی برای تفاسیر پیش‌گفته در نظر گرفت که در ادامه، به تبیین هر کدام از وجوه تمایز می‌پردازیم.

تمایز موضوعی

یکی از ملاک‌هایی که از دیرباز برای تمایز علوم مختلف از یکدیگر مطرح شده، تمایز در موضوع دانش‌ها است. چیزی را که در هر علم، از احوال و عوارض ذاتی آن علم بحث و سپس قضایای مربوط به آن را حل می‌کند، موضوع علم می‌گویند. (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۵) گرچه بسیاری از فلاسفه علم و منطقیون، این معیار را در مقام ثبوت پذیرفته‌اند، در مقام اثبات، برای تفکیک علوم و جلوگیری از خلط مباحث، با مشکلاتی روبه‌رو شدند و در این میان، نظریه‌های متعددی برای رفع این اشکال‌ها مطرح شده است. (نک: حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳ - ۱۳۶)

این دشواری‌ها، در تفکیک و تمایز علوم میان‌رشته‌ای، دوچندان می‌گردد؛ زیرا موضوعی که از یک حیث، محور مسائل یک دانش مستقل قرار می‌گیرد، در مباحث میان‌رشته‌ای، از

تعبیر را چنین می‌داند: «فهی من حیث یقع البحت فیها یسمی مباحث و من حیث یسأل عنها مسائل و من حیث یطلب حصولها مطالب و من حیث یستخرج من البراهین نتایج فالمسمی واحد و ان اختلف العبارات بحسب اختلاف الاعتبارات.» (رازی، بی‌تا، ص ۱۹)

چند حیث به آن توجه می‌کنند.

موضوع دانش‌هایی همچون تفسیر اقتصادی قرآن کریم، تفسیر تربیتی، اجتماعی و سیاسی، از این نظر که از زیرشاخه‌های دانش تفسیر است، معانی آیات قرآن کریم است، اما از این نظر که در ارتباط با علوم انسانی اجتماعی است، قواعد و قوانین کلی است که بر رفتار انسان‌ها در جنبه‌های فردی و اجتماعی حاکم است و یا باید حاکم شود. از این لحاظ، تفاسیر قرآن کریم با گرایش علوم انسانی، از گرایش‌های دیگری همچون تفسیر فلسفی، کلامی، ادبی، حقوقی، فقهی و... تمایز می‌یابند.

افزون‌براین، موضوع دانش تفسیر اقتصادی قرآن کریم، از آن جهت که با مباحث اقتصادی در ارتباط است، به معانی آیات قرآن کریم درباره رفتارهای بشری در زمینه تولید، توزیع، مصرف، سیاست‌های اقتصادی و ارزش‌های اقتصادی حاکم بر آن می‌پردازد. در نتیجه، از این حیث سوم که با مباحث اقتصادی گره خورده، موضوع دانش تفسیر اقتصادی قرآن کریم، با دیگر تفاسیر قرآن با گرایش علوم انسانی هم متمایز می‌شود.

تمایز در اهداف و غایتها

در بسیاری از علوم، گزاره‌ها از نظر موضوع و محمول تفاوت دارند، ولی آنچه عامل پیوند این قضایای پراکنده شده، اشتراک آنها در غرض اصلی علم است.

عامل پیوند گزاره‌های تفسیر اقتصادی غرض اصلی تفسیر اقتصادی قرآن کریم نیز هست که با اغراض تفاسیری مانند تربیتی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی متفاوت است. تفسیر اقتصادی، به دنبال مجموعه‌ای از گزاره‌های قرآنی است که از سویی به طور کلی با تجزیه و تحلیل رفتارهای بشری در زمینه تولید، توزیع و مصرف در ارتباط باشد و از سوی دیگر، ارزش‌ها و اهداف اقتصادی مد نظر قرآن کریم را بازگو می‌کند. همچنین، می‌کوشد دیدگاه‌های قرآنی درباره تدبیر جامعه برای جهت بخشیدن به وضع اقتصادی کشور و رفع مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی آن را نیز به منظور رسیدن به اهداف تبیین کند. از این رو، مسائل تفسیر اقتصادی، با دیگر گرایش‌های تفسیر، تفاوت ماهوی پیدا می‌کند. اگرچه امکان دارد گزاره‌های مشترک

فراوانی میان مسائل تفسیر اقتصادی و تفسیر حقوقی یا تربیتی وجود داشته باشد، اما جهت گیری کلی هر کدام در راستای تأمین غرض مستقلی است که بدان اشاره شد.

تمایز در شرایط اختصاصی مفسر

امروزه با گسترش علوم و دانش بشری، مجامع علمی، سخن کسی را که بدون تخصص در رشته علمی اظهار نظر کند و مطلبی را تأیید یا تکذیب کند، نمی‌پذیرند. بدون شک، دانش تفسیر نیز از این قاعده مستثنی نیست و مفسر قرآن، باید دارای شرایطی باشد تا سخن او معتبر و دارای ارزش بررسی شود.

هرچه دامنه موضوع یک دانش، محدودتر می‌شود، شرایط تخصصی ورود به آن نیز بیشتر می‌گردد. دانش تفسیر نیز دارای سطوح مختلفی است که با تخصصی‌تر شدن مباحث آن، شرایط مفسر نیز تغییر می‌کند.

مرتبه‌ای از فهم قرآن با رعایت اصول و قواعد فهم زبان عربی، برای همه امکان‌پذیر است. در این مرتبه، یادگیری قواعد دستوری و ادبی زبان عربی، مقدمه فهم قرآن است که در آن از ساختار کلمات، جمله‌ها، تقدیم و تأخیر، حذف و ایجاز و ... در قالب دانش‌های صرف، نحو، معانی و بیان بحث می‌شود.

در مراتب بالاتر، برای فهم آموزه‌های نظاممند و هدایت‌بخش قرآن کریم، باید شرایط علمی ویژه‌ای در مفسر وجود داشته باشد. شناخت قیود و قرائن پیوسته و ناپیوسته کلام (لفظی، مقامی و لُبی)، قرائن مختلف، روایات امامان معصوم: و تمامی اصول محاوره‌ای که عقلاً برای شناخت ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص و دیگر مفاهیم به کار می‌برند، در این مرتبه از تفسیر قرآن کریم ضروری است.

بدین ترتیب، هر چه مباحث تفسیری، تخصصی‌تر شود، دامنه شرایط علمی و عملی مفسر نیز گسترده‌تر می‌گردد. یکی از وجوه تمایز تفاسیر تخصصی از یکدیگر نیز شرایط مفسر است؛ زیرا با تخصصی‌شدن حوزه مباحث هر تفسیر، دامنه ورود اندیشمندان به آن نیز تنگ‌تر می‌شود. بنابراین، هر مفسری به قسمتی از وجوه معنایی آیات قرآن کریم می‌پردازد

که به حوزه تخصصی آن رشته تعلق دارد. بی‌تردید، شرایطی که یک مفسر برای ورود به حوزه تفسیر تربیتی باید داشته باشد، از تفسیر اجتماعی یا تفسیر عرفانی، متفاوت است. گرچه مقوله تمایز، در محتوای تفسیر اقتصادی با دیگر گرایش‌ها مصداق ندارد، ولی به لحاظ قابلیت فاعلی، ورود در حوزه تفسیر اقتصادی قرآن کریم، دارای شرایط اختصاصی و آگاهی‌های ویژه‌ای است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. آشنایی با آخرین نظریه‌های علم اقتصاد و پرسش‌های فعلی آن؛

۲. آگاهی از شبهات مستشرقان و روشنفکران در موضوع‌های اقتصادی قرآن کریم؛

۳. اطلاع جامع از حقوق اقتصادی در اسلام؛

۴. آگاهی از شرایط و ارزش‌های اقتصادی حاکم در عصر نزول.

رویکردهای تفسیر اقتصادی قرآن کریم

عظمت و والایی قرآن، به‌مثابه کلام الهی و بهره‌مند از صبغه عرشی و ملکوتی، امکان بروز و ظهور رویکردهای مختلف در عرصه تفسیر اقتصادی قرآن کریم را فراهم کرده است. این رویکردها در عین تفاوت، در تقابل با یکدیگر قرار ندارند و همدیگر را نفی نمی‌کنند، بلکه در راستای اندیشه بنیادین قرآن کریم، با یکدیگر هماهنگ می‌شوند. تمامی رویکردهای تفسیر اقتصادی، باید در راستای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی قرآنی قرار گیرند و از چهارچوب آن پیروی کنند. بدین ترتیب، رویکردهای مختلف در ذیل گرایش اقتصادی در تفسیر قرآن کریم، بر مبنای واحدی تعریف می‌شوند و در یک راستا عمل می‌کنند. در ادامه، به برخی از این رویکردها اشاره می‌کنیم.

روی‌کرد توصیفی-تبیینی

در رویکرد توصیفی، مفسر از به منظور کشف حقایق و واقعیت‌های رفتارها، کنش‌ها و قوانین اقتصادی، به آموزه‌های قرآنی توجه می‌کند. در رویکرد تبیینی هم مفسر با انگیزه کشف قوانین علمی و روابط علت و معلولی یا همبستگی میان متغیرها و عوامل به عنوان گزاره‌های کلی، به پژوهش‌های قرآنی روی می‌آورد.

قرآن در بیان آموزه‌های مختلف اقتصادی، واجد رویکردی توصیفی است و آیات متعددی از قرآن، به توصیف ویژگی‌های اقوام مختلف و سرنوشتشان اختصاص یافته است. در دل نگاه توصیفی قرآن، نوعی تبیین نیز نهفته است که از اصل هدفمندی عالم ناشی می‌شود. یکی از مصداق‌های بارز آن، آیه ۹۶ سوره اعراف است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ، وَ أَكْرَاهِل شَهْرَهَا وَ اَبَادِيهَا، اِيْمَان مِي اوردند و تقوا پيشه مِي كردند، بركات آسمان و زمين را بر آنها مِي گشوديم».

این آیه ضمن توصیف وضعیت یک قوم، به تبیین این وضعیت نیز می‌پردازد که میان تقوا و ایمان با نزول بركات، یک رابطه علی برقرار می‌شود. بر اساس این آیه، گشایش رحمت الهی، در گرو روی آوردن به ایمان و تقوای الهی است. در پشت کلیه توصیف‌های قرآنی، تبیین واقعیت عالم هستی نهفته است.

نمونه دیگر، رویکرد توصیفی - تبیینی در تفسیر آیه ۲۷۵ سوره بقره است:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ.

کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، دیوانه (و آشفته سر) ش کرده است. این، بدان سبب است که آنان گفتند: معامله فقط همانند ریاست.

این آیه که جزو واپسین آیه‌های نازل شده بر پیامبر اکرم ۹ است (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱) نسبت به روش زندگی رباخواران، رویکرد توصیفی - تبیینی دارد. در قسمت اول این آیه: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»، تدبیر معیشت و زندگی رباخوار را به کسی تشبیه کرده که دچار خبط شده است. خبط، به معنای حفظ نکردن تعادل بدن به هنگام راه رفتن یا برخاستن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۳) خدای متعال رباخوار را به کسی که دچار

اختلال فکر شده و حسن و قبح، خیر و شر و سود و زیان خود و اجتماع را درک نمی‌کند و تمییز نمی‌دهد، توصیف کرده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۶) در قسمت دوم آیه: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»، به تبیین چرایی این نداشتن تعادل و اختلال فکری و عملی در رفتار ناروای رباخواری پرداخته شده است. از نظر قرآن، علت این رفتار زشت و ناروا این است که رباخواران از نظر حرص در جمع ثروت، چنان دچار اختلال اندیشه و اشتباه شده‌اند که میان دادوستد که پایه تعادل زندگی اجتماعی است و نیز میان وام با سود، تفاوت نگذاشته و هر دو را یکسان پنداشته‌اند. این گروه سرمایه‌دار حرص، در این اندیشه هستند که ثروت اجتماع و نیروی حیاتی را در اختیار بگیرند؛ هر چند پایه زندگی جامعه، متزلزل و به پرتگاه‌های سقوط و زوال نزدیک شود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۹)

روی‌کرد خُرد

مقصود از روی‌کرد خُرد، در تفسیر اقتصادی قرآن کریم، بررسی مفاهیم و پیام‌های اقتصادی این کتاب الهی، با نگاهی جزءنگر است. در این روی‌کرد، به آموزه‌هایی از قرآن کریم تأکید می‌شود که مرتبط با رفتار اقتصادی انسان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و شیوه توزیع تولیدات و درآمد در میان آنها است.

مفسر اقتصادی قرآن کریم با روی‌کرد خُردنگر، به اشخاص، به عنوان کارگران و تولیدکنندگان سرمایه و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی و به شرکت‌های اقتصادی، به عنوان مصرف‌کنندگان سرمایه و کار و تولیدکنندگان محصول نگاه می‌کند. مهمترین مسئله در نگاه خُرد به آیات اقتصادی قرآنی کریم، شناسایی رفتار عقلایی اسلامی در حوزه مصرف، تولید و توزیع است.

در این نگاه، مفسر اقتصادی به بسیاری از آیات و مضامین قرآنی مرتبط با مبانی معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی توجه می‌کند که نقش بسزایی در تعیین ملاک مطلوبیت برای فرد یا بنگاه دارد و همچنین چهارچوب‌های اصلی تخصیص

بهبود منابع و امکانات محدود را نیز به خوبی مشخص می‌کند.

برای نمونه، رویکرد خرد در تفسیر اقتصادی آیات ۱۴-۱۷ سوره اعلی، می‌تواند یکی از ملاک‌های انتخاب بهینه برای تقاضاکننده را به دست دهد. توضیح اینکه، ورای تقاضای کالا و خدمات، الویت‌گذاری‌ها و ترجیحات مصرف‌کننده مدنظر است. این ترجیحات، از تمایل و توانایی ناشی می‌شود و تمایل، ناشی از مقدار مطلوب دانستن و رضایت خاطری است که فرد از کالا به دست می‌آورد. به طور معمول، به مواردی چون سلیقه، قیمت کالا، قیمت کالاهای مکمل و جانشین، ثروت و فرهنگ، به عنوان مهمترین عامل‌های مؤثر بر تقاضا توجه می‌شود. در آیات زیر، خدای متعال چنین گوشزد می‌کند:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ (اعلی):
(۱۷-۱۴)

به یقین رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد، بلکه (شما) زندگی پست (دنیا) را بر می‌گزینید، در حالی که آخرت، بهتر و پایدارتر است.

در تفسیر اقتصادی این آیات با رویکرد خرد، باید در نظر داشت که شیوه قرآن کریم برای تشویق و ترغیب مؤمنان، به انجام دادن عمل صالح، نشان می‌دهد که بحث «لذت و الم با دوام» را امری مفروغ عنه گرفته است. بنابراین، همواره باغ‌های پر زرق و برق و کالاهای بهشتی را که لذت‌های بادوام دارند، به عنوان پاداش عمل نیک مطرح می‌سازد و در مقابل، برای بدکاران، رنج و الم ناشی از آتش دوزخ و دوام این رنج را به رخ می‌کشد و عامل شقاوت و تیره‌بختی می‌داند.

در این آیات نیز قرآن کریم در مقایسه میان لذت‌های دنیوی و اخروی، به منظور دعوت به سوی آخرت و تشویق انسان به حرکت در مسیر سعادت معنوی، این حقیقت را گوشزد می‌کند که لذت آخرت، از لذت دنیا از نظر کیفی بهتر و به لحاظ کمی، پایدارتر است.

براین اساس، به جای لذت‌گرایی بتنام که بر نظریه تقاضای مصرف‌کننده در اندیشه

اقتصادی معاصر، سایه افکنده است، قرآن کریم، بیشینه کردن رستگاری دنیا و آخرت را مطرح می‌کند. (رجایی، ۱۳۸۹، ص ۴۴) از این رو، تقاضاکننده مسلمان، برای انتخاب بهینه، بیشینه کردن لذت‌های دنیایی و آخرتی و کمینه کردن رنج‌های دنیایی و آخرتی را با تقدم لذت‌ها و رنج‌های آخرتی بر دنیایی، مدنظر می‌گیرد. (میر معزی، ۱۳۷۸، ص ۶۷-۷۳)

روی‌کرد کلان

روی‌کرد کلان در تفسیر اقتصادی قرآن کریم، به دنبال تبیین آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم در ارتباط با جامعه و ساختارهای اجتماعی حاکم بر آن است. در این رویکرد، آموزه های قرآنی مرتبط با مسائل اقتصادی در سطح کلان ملی و بین‌المللی، مانند ثبات اقتصادی، توازن تراز بازرگانی خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، مخارج و درآمدهای دولت، رکود اقتصادی، بحران اقتصادی، بیکاری، و اقتصاد توسعه، بررسی می‌شود.

هر چند استنتاج‌های تفسیر در رویکرد کلان، باید ارتباط منطقی با نتایج حاصل از رویکرد خرد داشته باشد، اما باید توجه داشت که نتایج خرد به همان صورتی که هستند، به سطح کلان تعمیم داده نمی‌شوند، مانند اینکه اگر شرکتی یک یا چند نفر از کارکنان خود را با ماشین‌آلات جایگزین کند، بی‌شک، سود خواهد کرد، ولی اگر تمامی شرکت‌ها یکباره به این کار مبادرت کنند، بیکاری افزایش می‌یابد و موجب کاهش درآمد ملی و در نتیجه، کاهش تقاضا برای تولیدات شرکت‌ها می‌شود و سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.

نمونه‌ای از رویکرد کلان در تفسیر اقتصادی قرآن کریم را در تفسیر آیات ۴۷-۴۹ سوره

یوسف می‌توان مشاهده دید:

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ. (يوسف: ۴۷-۴۹)

(یوسف) گفت: «هفت سال بر شیوه (سابق و با جدیت) زراعت می‌کنید و آنچه را درو

کردید، پس جز اندکی از آنچه می‌خورید، آن را در خوشه‌هایش واگذارید؛ آنگاه پس از آن،

هفت (سال) سخت (و خشکسالی) می آید که آنچه را برای آن (سال) ها از پیش نهاده‌اید، می‌خورند، جز اندکی از آنچه ذخیره می‌کنید. آنگاه بعد از آن (خشکسالی)، سالی فرامی‌رسد که در آن، باران بر مردم باریده می‌شود و در آن (سال میوه‌ها) می‌فروشند.

در این آیات، سخن از برنامه‌ریزی پانزده ساله حضرت در سرزمین مصر و سرمایه‌گذاری به نسبت سنگین در این کشور پهناور است. سه نوع سرمایه‌گذاری، یعنی تهیه عوامل تولید و تشکیل سرمایه و به کارگیری آن، تهیه انبار (ساختمان) و موجودی انبار از این برنامه‌ریزی بلند مدت استفاده می‌کند. (رجایی، ۱۳۸۱، ص ۷۳) در برنامه استراتژیک و جامعی که حضرت یوسف ۷ طراحی کرده، هدف اصلی و مقصد نهایی آن، نجات کشور مصر در آن شرایط خاص از خطر نابودی محصولات و قحطی بوده است. در این برنامه، به منابع و امکانات موجود که عبارت بودند از نیروی انسانی ماهر، باران کافی در هفت سال اول و زمین حاصل‌خیز و مناسب برای کشت و ساخت‌وساز انبارها و ... ، توجه کافی شده بود و برنامه بر اساس آنها و مرحله به مرحله به اهداف خود دست یافته است.

در مقابل تهدید قحطی و خشکسالی، فرصت بزرگ و موقعیت مناسبی که برای آنها وجود داشت، باران فراوان، زمین‌های مرغوب و مناسب برای کشت در هفت سال اول بوده است. حضرت یوسف ۷ با علم و شناخت دقیق آنها، از آن فرصت بزرگ سود جسته و به وسیله آنها به مقابله با تهدید قحطی پرداخته است.

براین اساس، در برنامه هفت سال اول، حضرت یوسف ۷ امر کرد انبارهایی از سنگ و ساروج بنا و کلیه محصولات کشاورزی را درو کردند هر کس به میزان ضروری مصرف، برداشت و باقی محصولات را در خوشه و در انبارها نگهداری کردند. مدت هفت سال، سرزمین مصر به این برنامه و شیوه عمل می‌کرد. نکته مهم در برنامه هفت سال اول، این است که مردم از تمام محصولی که به دست می‌آورند، استفاده نکنند، بلکه به مقدار ضروری بسنده و بقیه را ذخیره کنند. در هفت سال دوم که دوران خشکسالی و قحطی خواهد بود، از بخشی از ذخیره‌های خود استفاده و مقداری را هم به عنوان بذر نگهداری کنند تا در سال

های بعد، از آن استفاده نمایند و مأموران دولتی و وکلای حضرت یوسف ۷ مأموریت اجرا و تحقق این امور را بر عهده داشتند.

بنا بر روایاتی، در تفسیر این آیات وارد شده است که حضرت یوسف ۷ برای اینکه امر خرید و فروش غله با حساب منظمی باشد و محتکران و تاجران سودجو، از این موقعیت سوء استفاده نکنند و یا مأموران دولتی در طرز تقسیم و فروش، عادلانه رفتار کنند، دستور داده بود برنامه دقیقی در خرید و فروش غله انجام گیرد و نام تمام خریداران و دریافت کنندگان غله، روزانه در دفتر ثبت و ضبط گردد و در پایان هر روز، آن دفتر را به نظر وی برسانند. به خصوص درباره کسانی که از خارج مصر می آمدند، کنترل و دقت بیشتری می شد تا مبادا تاجران و سرمایه داران شهرهای مجاور و کشورهای همسایه، بخواهند روی دشمنی و عداوت یا روی سود و تجارت غله، مصر را در برابر پول، به شهرها و کشورهای خود منتقل سازند. از این رو، دستور داده بود کسانی که از خارج از کشور برای خرید غله به مصر می آیند، بازپرسی و تحقیق بیشتری شوند و قبل از انجام دادن معامله، نام و خصوصیات آنها را ضبط کنند و به اطلاع ایشان برسانند. (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۷۲-۱۷۴)

بدین ترتیب، با رویکرد کلان به آموزه های اقتصادی آیات یادشده، می توان پیام های مهم و سرنوشت سازی برای مدیریت اقتصادی کلان، به ویژه در شرایط بحران اقتصادی استنتاج کرد.

روی کرد هنجاری- توصیه های

روی کرد هنجاری- توصیه ای در تفسیر اقتصادی قرآن کریم، به دنبال شناسایی معیارهای درستی، نادرستی و خوبی و بدی است که قرآن کریم در حوزه اقتصاد توصیه می کند. بی تردید، هر رفتار اقتصادی، بر اثر معیارهای رفتاری، «هنجار» نامیده می شود. این هنجارها به صورت قانونی تدوین نشده اند، بلکه هرکس از نقطه نظر فرهنگ و عقایدی که به آن متعلق است، عملی را بهنجار (درست) و یا نابهنجار (نادرست) می داند و این هنجارها نقش تعیین کننده در افعال اختیاری ایشان دارد.

قرآن کریم نیز آموزه‌های ثابتی که زیربنای فقه و اخلاق اقتصادی است، برای تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، در جهت رفع مشکل‌ها و دستیابی به هدف‌های اقتصادی مطرح می‌کند، به گونه‌ای که بیشتر آموزه‌های اقتصادی قرآن کریم، جنبه هدایتگری و توصیه‌ای دارد. این آموزه‌ها شالوده اصلی نظام هنجاری اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد و به رفتار اقتصادی مسلمانان سمت و سو می‌بخشد.

برای نمونه، قرآن کریم در حوزه فقه و حقوق، افراد با ایمان را مخاطب قرار می‌دهد و به آنها -پس از دستور به تقوای الهی- توصیه می‌کند که اگر ایمان دارید، از گرفتن باقی مانده مطالبات ربوی خود از بدهکاران، صرف نظر کنید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، رها کنید و اگر (چنین) نکردید، پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده‌اش هستید و اگر توبه کنید، پس اصل سرمایه‌هایتان، فقط از آن شماست؛ ستم نمی‌کنید و به شما ستم نمی‌شود.

خدای متعال در این آیات ضمن تحریم ربا، که از لوازم ایمان به خداوند است، خطاب به رباخواران می‌فرماید: اگر چنین نمی‌کنید (رباخواری را ترک نمی‌کنید)، پس بدانید با این کار، در واقع به جنگ خدا و رسولش می‌روید. برخی «فأذنوا» قرائت کرده‌اند که به معنای اعلام است، اما در هر دو صورت، معنای یقین، در آن تضمین شده و به همین جهت، کلمه «حرب» هم با باء حرف جرّ آمده است که دلالت بر تأکید می‌کند. (جزائری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۴۶) همچنین، نکره آمدن «حرب» دلالت بر تعظیم یا تنويع دارد و نسبت دادن آن به رسول خدا ۹، از نظر ارتباط آن به حکمی است که خداوند، تشریح فرموده و رسول خدا ۷ آن را به مردم ابلاغ کرده است. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۲۲)

از جمله بالا می‌فهمیم که دولت اسلامی می‌تواند با وضع مقررات الزامی، با رباخواری مبارزه و از تشدید و استمرار آن جلوگیری کند.

در مورد هنجارهای اخلاقی نیز قرآن کریم با روش‌های مختلف به توصیه و هدایت مؤمنان می‌پردازد. برای نمونه، درباره انفاق به تهیدستان، گاه با تعبیر «قرض الحسنه به خداوند» یاد می‌کند که برای خشنودی خداوند پرداخت می‌شود:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (بقره: ۲۴۵)

کیست که به خدا قرض‌الحسنه‌ای دهد [و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند] تا آن را برای او چندین برابر کند؟ و خداوند است [که روزی بندگان را] محدود یا گسترده می‌سازد [و انفاق هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود] و به سوی او بازگردانده می‌شود [و پاداش خود را خواهید گرفت].

سیاق استفهام در این آیات، برای دعوت و تشویق است. نام‌گذاری انفاق به قرض به خداوند نیز برای ترغیب به انفاق است. (علامه طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۹۸)

گاه نیز از احساس مسئولیت نسبت به تهیدستان، به گردنه‌ای تعبیر می‌کند که ورود به مرحله تکامل و دستیابی به سعادت، جز با عبور از آن میسر نیست:

فَلَا افْتَحِمِ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ. (بلد: ۱۱-۱۶)

ولی او از آن گردنه مهم نگذشت و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای یا غذا دادن یتیمی از خویشاوندان یا مستمندی خاک‌نشین را در روز گرسنگی.

«عقبه» به گردنه‌ای گفته می‌شود که عبور از آن دشوار و به طور معمول یگانه مسیر رفت و آمد است و از نظر قرآن برای مؤمنان، یگانه راه پیمودن مسیر تکامل، رسیدگی به یتیمان و اطعام مسکینان است.

روی‌کرد هنجاری - تبیینی

در رویکرد هنجاری - تبیینی، سخن از حقیقت و چرایی آموزه‌های هنجاری قرآن کریم در حوزه اقتصاد است. توضیح اینکه هر گزاره هنجاری در قرآن کریم، اعم از هر حکم، دستور و توصیه‌ای که در آن آمده، دارای ملاک، حکمت و مصلحتی است که به مکلف و مخلوق بازمی‌گردد، نه خالق. تلاش برای شناخت این مصالح، نه تنها در در مکتب اهل بیت ۷ نکوهش نشده، بلکه بر آن تأکید شده و آنان را به درک عمیق دین و حقایق دینی تشویق می‌کرده‌اند. (روایات متعددی در باره فلسفه احکام اعم از نماز، زکات، روزه ... مطرح شده که با عنوان علل شرایع، در کتب حدیثی، موجود است و معروف‌ترین آنها، کتاب علل الشرائع نوشته شیخ صدوق است). بر این اساس، آموزه‌های هنجاری قرآن کریم در حوزه مسائل اقتصادی را در سه محور می‌توان تبیین کرد:

۱. تبیین مفاهیم

یکی از مهمترین مراحل تبیین آموزه‌های هنجاری قرآن کریم، تعریف مفاهیم کلیدی در حوزه اقتصاد است. برای نمونه، یکی از آموزه‌های مهم اقتصادی قرآن کریم، در آیه هفتم سوره حشر مطرح شده است:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ. (حشر: ۷)

آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

در این آیه، با صراحت اعلام شده است تمام غنایمی که برای به دست آوردن آنها جنگی نشده و مسلمانان زحمتی نکشیده‌اند، به رسول الله ۹ تعلق دارد که این اموال را در میان گروه های خاصی از مهاجران و انصار تقسیم کند تا تداول ثروت در میان اغنیا صورت نگیرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۲)

درواقع فلسفه حکم حقوقی یادشده، تداول نیافتن ثروت در میان اغنیا است، اما پرسش اساسی این است که معنای «تداول» چیست؟ آیا صرف مالکیت اموال فراوان، به معنای تداول ثروت است؟

واژه «دَوْلَةٌ» که از مشتقات «د و ل» است، به معنای شیء متداول است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن منظور، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۲۵۲؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ص ۳۲۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۸۲) «تداول»، به معنای انتقال همراه با نوعی چیرگی و تسلط است. گاهی در جنگ به کار می‌رود که معنای آن، انتقال سپاه از مکانی به مکانی همراه با تغییر، در حالت غالبیت و مغلوبیت است و گاهی در مورد واژگان به کار می‌رود که معنای غلبه یک واژه بر دیگر واژگان و رواج در میان مردم است. هنگامی که واژه «تداول» در مورد اموال به کار می‌رود، به معنای دست به دست شدن مستمر اموال میان افراد است، به گونه‌ای که زمانی عده‌ای بر آن اموال تسلط دارند و زمانی عده دیگر. (ابن منظور، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۲۵۲، مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۸۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۷۴) در معنای یاد شده، نکته مهم، تسلط انحصاری افراد بر اموال است، هرچند این سلطه بر اموال، بدون مالکیت تحقق یابد. معنای لغوی «تداول ثروت در میان ثروتمندان»، تسلط ثروتمندان بر اموال است، به گونه‌ای که ایشان به طور انحصاری، تکلیف بخش عمده‌ای از اموال و دارایی‌های جامعه را تعیین کنند. در نتیجه، مواردی همچون تسلط بر منابع طبیعی، تسلط بر فرایند تعیین قیمت کالاها و خدمات در بازار، تسلط بر صنایع بالادستی و جریان‌های پولی و همچنین سلطه بر روابط بازار کار که سبب شده عده‌ای خاص، شریان‌های اصلی اقتصاد جامعه را در دست گیرند، همگی مصداقی از تداول ثروت در میان اغنیا است. (معلمی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳-۱۶۱)

۲. تبیین سازگاری هنجارهای اقتصادی قرآن کریم با اندیشه‌های نظری آن

تبیین هماهنگی هنجارهای اقتصادی قرآن کریم با اندیشه‌های بنیادین نظری اسلام، سهم بسزایی در رویکرد تبیینی به تفسیر اقتصادی قرآن کریم دارد. بی‌تردید، ارزش‌های

اقتصادی در ارتباط با مبانی جهان‌شناختی هویت می‌یابند و از سنخیت آنها رنگ‌ورو می‌پذیرند. جهان‌بینی حقیقی، به ارزش‌های برگرفته از خود، حقیقت می‌بخشد؛ در صورتی که جهان‌بینی خیالی و وهمی، ارزش‌های منتسب به خود را پنداری و وهمی می‌بیند. همچنین، از جهان‌بینی الهی، ارزش‌های الهی؛ از جهان‌بینی ماتریالیستی، ارزش‌های مادی؛ از جهان‌بینی مذهبی، ارزش‌های مذهبی و از جهان‌بینی فلسفی، ارزش‌های فلسفی تراوش می‌کند.

هنجارهای تأکید شده در قرآن کریم، بر اساس تفسیری است که اسلام از انسان، جامعه، جهان دنیوی و اخروی و منشاء هستی و کیفیت ارتباط میان این امور ارائه می‌دهد.

برای نمونه، کلیه احکام حقوقی و اخلاقی در موضوع مالکیت، کاملاً سازگار و برآمده از جهان‌بینی اسلامی است؛ زیرا برترین قسم مالکیت، «مالکیت حقیقی مطلق» است و آن، مالکیت نامحدود خدای سبحان نسبت به عالم است. مالکیت خدای متعال، نسبت به تمام ممکنات، به «اضافه اشراقیه» شهرت دارد و عبارت است از اینکه، وجود تمام موجودات، از وجود خداوند متعال است و به آن تعلق دارد. همان‌گونه که علت تامه، مالک همه شئون هستی معلول خویش است، خدای سبحان نیز قیوم سراسر نظام هستی و مالک همه شئون آن است و همه موجودات، ملک و معلول و متقوم به او هستند. (خوئی، نرمافزار جامع فقه ۲، ج ۲، ص ۲۴)

اثبات مالکیت حقیقی برای خداوند، به دلیل قرآنی یا روایی نیاز ندارد، بلکه نتیجه قهری پذیرش خالقیت اوست. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳) با وجود این، آیات قرآن نیز دلالت می‌کنند که مالکیت حقیقی پروردگار، به شأن خالقیت وی باز می‌گردد، یعنی از آنجا که وی خالق و رب همه اشیا است، مالک آنان نیز هست. به همین سبب، این مالکیت، مطلق است و همه تصرفات را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۲۷، ۴۳۶ و ۴۴۹) از آیاتی که رابطه «خالقیت» و «مالکیت» را ترسیم می‌کند، آیات ۲۵ و ۲۶ سوره زمر است:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ لَّهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ.

خداوند، خالق همه چیز و ناظر بر همه اشیا است. کلیدهای آسمان و زمین، از آن او است و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند، زیانکارند.

«مقالید»، به معنای کلید و به گفته لغت‌شناسان، اصل آن از کلید فارسی گرفته شده است. این تعبیر، به‌طور معمول، کنایه از مالکیت یا سلطه بر چیزی است، چنان‌که می‌گوییم: کلید این کار به دست فلان است. پس این آیه، می‌تواند هم اشاره به توحید مالکیت خداوند و هم توحید تدبیر و ربوبیت و حاکمیت او بر عالم هستی باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۹، ص ۵۲۳ و ج ۲۴، ص ۳۱۵)

در مقابل، مالکیتی که در روابط اجتماعی انسان‌ها مطرح است و به انسان‌ها اسناد داده می‌شود، مالکیت اعتباری است که در حیطه قراردادهای عقلایی قرارداد و با خرید و فروش و دیگر معاملات، تغییر نمی‌پذیرد.

با پذیرش مالکیت حقیقی خداوند بر همه ممکنات و برتری و تقدم آن بر دیگر مالکیت‌ها، بهتر می‌توان مبانی نظری مربوط به مجاری دخالت و حیانی پروردگار را در شکل‌گیری ساختار مالکیت و هدایت تشریحی وی در چگونگی رابطه انسان و مال ترسیم کرد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵)

۳. تبیین هماهنگی هنجارهای اقتصادی با اندیشه‌های عملی

سازگاری هنجارهای اقتصادی قرآن کریم با اهداف و آرمان‌های قرآن کریم در حوزه اقتصاد، بعد دیگری از رویکرد هنجاری-تبیینی در تفسیر اقتصادی قرآن کریم است. چنین رویکردی، بر هنجارهای اقتصادی، به‌مثابه عملی مؤثر برای رسیدن به فرجامی خوش در دنیا و آخرتی سودمند و سعادت‌مند تأکید می‌ورزد.

یک نمونه از این رویکرد هنجاری - تبیینی در تفسیر اقتصادی قرآن کریم را می‌توان در

آیه‌های ۳۴ و ۳۵ سوره توبه دید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. (توبه: ۳۴ و ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند و (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده! [در آن] روزی که در آتش جهنم، بر آن [سکه] ها حرارت شدید داده می‌شود و با آنها پیشانی‌هایشان و پهلوهای آنان و پشت‌هایشان را داغ می‌گذارند! (و به آنان می‌گویند): این چیزی است که برای خودتان اندوختید، پس بچشید آنچه را همواره می‌اندوختید.

بر اساس مفاد این آیات، مسلمان حق ندارد درآمد خود (طلا و نقره) را به انگیزه انباشتن ثروت بدون پرداخت حقوق الهی، کنز و پنهان کند. برای پرهیز از چنین چیزی، باید مال را در معرض مبادله و گردش اقتصادی گذاشت. البته صرف به جریان انداختن آن هم کافی نیست، بلکه گردش مال باید منطبق بر ضوابط اسلامی باشد، به گونه‌ای که «انفاق فی سبیل‌الله» بر آن صدق کند. از عبارت «هذا ما کنزتم لأنفسکم» نیز استفاده می‌شود که انگیزه ثروت‌اندوزی و تکاثر، در حرمت این عمل، مؤثر است. در بررسی زمینه تاریخی پیدایش "کنز" بیان شد که طلا و نقره دو موضوع رایج و غالب برای کنزکنندگان بوده‌اند، همان‌گونه که در زمان‌های دیگر نیز هرگونه پولی که ارزش نسبی آن دارای ثبات بوده و نگهداری آن هزینه کمتری داشته باشد، وسیله مناسبی برای کنز خواهد بود. بنابراین، حرمت کنز، اختصاص به طلا و نقره و پول‌های درهم و دینار ندارد و شامل پول‌های امروزی هم می‌شود. همچنین، بسیاری از مفسران همچون فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۴۱)؛ طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۱) و علامه طباطبایی (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۲۴۷) بر این باورند که موضوع حرمت کنز در این آیه، دارایی‌های غیر پولی را نیز در بر می‌گیرد.

با توجه به مفهوم عرفی «کنز» و «انفاق فی سبیل‌الله» و به قرینه همنشینی این کلمات با یکدیگر و سیاق کلی آیه، درمی‌یابیم آنچه در این آیه تحریم شده، مطلق جمع کردن و

راکد نگه داشتن پول(مال) است و واجب است تمام آن در راه رضای خداوند(اعم از مصارف شخصی، مخارج اجتماعی و سرمایه‌گذاری) صرف شود.

تحریم «کنز» و راکد نگه داشتن پس‌اندازها موجب می‌شود سهمی از درآمد را که به مصرف و مشارکت اجتماعی اختصاص نمی‌یابد و به اصطلاح پس‌انداز می‌شود، خود شخص و یا با واگذاری به افراد دیگر، سرمایه‌گذاری کند. بدین ترتیب، زمینه رشد و پیشرفت اقتصادی متوازن فراهم می‌گردد.

روی‌کرد سی‌ستمی

مقصود از رویکرد سیستمی در تفسیر اقتصادی قرآن کریم، بررسی یک مفهوم یا آموزه اقتصادی در ضمن کل آموزه‌ها و معارف اسلامی است که با او مرتبط هستند.

توضیح اینکه سیستم، مدل یا نظام، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف می‌کوشند. در هر سیستم، تغییر هر جزء، بر دیگر اجزا و بر کل تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند.

دین نیز مجموعه‌ای از عناصر و گزاره‌های بهم‌پیوسته و نظام‌مند است. این عناصر و اجزا تابع اهداف دین هستند و هدف‌گرایی دین، به این عناصر شکل می‌دهد و ساختار ارتباطی آنها با یکدیگر را تعیین می‌کند. دین، اهداف و برنامه‌های خود را اولویت‌بندی می‌کند و برای شکل‌دهی به عناصر محیطی خود، برنامه دارد و آرمان‌ها و هنجارها را در چهارچوب اهداف خود تغییر و تحول می‌دهد. سپس از هم‌افزایی نیروبخشی هر یک از عناصر، برای حرکت به سمت هدف غایی خود بهره می‌جوید.

در قرآن کریم گزاره‌هایی مهم، حساس و تصمیم‌سازی در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی هست که با آموزه‌های اقتصادی آن تأثیر و تأثر جدی دارد و این همه، نشان از این واقعیت دارد که دین اسلام برای موضوع‌های مختلف، در زندگی انسان‌ها برنامه و مدلی کامل ارائه داده است. این مدل‌ها به صورت شبکه واحد، با یکدیگر در

تعامل هستند. هر یک از گزاره‌های دین، جایگاه خاصی در شبکه و سیستم طراحی شده دارند که فقط در صورت قرارگرفتن در موقعیت واقعی خود، اثر مورد نظر را تولید می‌کنند.

قرآن کریم مجموعه‌ای از مفاهیم و آموزه‌های اقتصادی منسجم و هماهنگ با دیگر آموزه‌های اسلامی به ارمغان می‌آورد که از این انسجام، می‌توان حتی برای شناخت صحت و سقم برخی تفاسیر اقتصادی نیز مدد جست. برای نمونه، درباره توجیه عقلانی ارث زن و مرد، می‌توان از نظام منسجم حقوق خانواده در اسلام استفاده کرد.

حتی اگر دو تفسیر متفاوت، اما هماهنگ با اصول کلی تفسیر، از آیات اقتصادی مطرح شود، آن تفسیری که به مقاصد و اهداف نظام اقتصادی قرآن کریم نزدیک‌تر است، اعتبار بیشتری دارد تا تفسیری که تنها با روش‌های تفسیری عام به دست آمده، ولی از مقاصد شریعت فاصله داشته باشد و به اختلاف طبقاتی فاحش، کنز، تداول ثروت در میان اغنیا و رکود اقتصادی منجر شود. (نک: خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۵۴)

نمونه‌ای از رویکرد سیستمی در تفسیر اقتصادی قرآن کریم را می‌توان در دیدگاه‌های شهید سیدمحمدباقر صدر(ره) دید. از دیدگاه وی، باید هر حکمی را به صورت جزئی از کل و بخشی از یک مجموعه مرتبط به هم در نظر گرفت و به عبارتی، نگاه جزئی را به نگاه سیستمی و کلی تبدیل کرد. (صدر، ۱۴۲۴، ص ۴۳۷)

برای مثال، او در آیه‌های ۳۴ و ۳۵ سوره توبه که درباره ممنوع بودن کنز است، پس از تبیین کارکرد پول در ایفای نقش خود به‌منزله وسیله مبادله و ذکر مزایای مبادلات پولی نسبت به مبادلات پایاپای، درباره نقش پول به عنوان ذخیره ارزش می‌فرماید:

نقش اخیر پول به عنوان وسیله ذخیره و پس‌انداز، در رژیم سرمایه‌داری که پس‌انداز را تشویق می‌کند، عامل خطرناکی است؛ زیرا این امر، تعادل عرضه و تقاضای کل را نسبت به مجموع کالاهای تولیدی و مصرفی به هم می‌زند. در صورتی که در دوره مبادله مستقیم کالاها، میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار بود.

وی سپس با اشاره به «اتحاد سی» و تبیین نقش کنز کردن پول در بر هم زدن تعادل‌های اقتصادی می‌گوید:

اختلاف اساسی میان اسلام و رژیم سرمایه‌داری را می‌توان از توجه به نقش‌های اصلی و فرعی پول که گفته شد، تشخیص داد. در رژیم سرمایه‌داری، پول به عنوان وسیله پس انداز به رسمیت شناخته شده، در صورتی که اسلام با ذخیره پول مبارزه کرده و آن را مشمول مالیات قرار داد و مردم را تشویق به مصرف پول در زمینه‌های تولیدی و مصرفی کرده است. (همان، ص ۶۲۴)

از مجموعه مطالب شهید صدر استفاده می‌شود که وی مفهوم «کنز» را به معنای ذخیره سازی پول و وضع زکات بر پول‌های اندوخته را ناظر بر جلوگیری از بروز آن می‌داند. از این رو، بر خلاف دیدگاه مشهور فقها که زکات درهم و دینار را در صورتی واجب می‌دانند که یک سال نزد مالک بماند (حلی، ۱۴۱۳، ص ۳۳۵)، شهید صدر بر این باور است «کنز» یک مفهوم انعطاف‌پذیر است و مدت زمان لازم برای انطباق آن بر پول را کد، براساس سرعت گردش پول و امکانات سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. هر چه سرعت گردش پول و شتاب سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، نگهداری پول رایج، در زمان کوتاه‌تری مصداق کنز خواهد بود. به‌عکس] در صورتی که سرعت گردش پول و شتاب سرمایه‌گذاری کمتر باشد، نگهداری پول رایج، در مدت زمان طولانی تر نسبت به حالت قبل مصداق کنز خواهد بود. شاید به همین سبب، وجوب زکات بر نقدین در عصر تشریح، متوقف بر گذشت سال بوده است. به عبارت دیگر، در آن زمان سرعت گردش پول به حدی بوده که خروج نقدین از چرخه به مدت یک سال، موجب آسیب‌های اقتصادی و در نتیجه، صدق «کنز» می‌شده است. (صدر، ۱۴۲۴، ص ۲۰۶)

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، عبارتند از:

۱. مقصود از تفسیر اقتصادی قرآن کریم، تفسیر این کتاب آسمانی با گرایش اقتصادی

است؛ زیرا دانش اقتصاد تا کنون بدون قواعد کلی تغییرناپذیر بوده و در نتیجه، تأثیر چندانی بر روش کشف معانی آیات قرآن کریم ندارد و تنها در شرح معانی و یافتن مصداق‌های آن، می‌تواند به کار رود.

۲. موضوع دانش تفسیر اقتصادی قرآن کریم، شرح معانی مفهیمی از آیات قرآن کریم است که در ارتباط با رفتارهای بشری در زمینه تولید، توزیع، مصرف، سیاست‌های اقتصادی و ارزش‌های اقتصادی حاکم بر آن است و از این نظر با دیگر تفاسیر قرآن با گرایش علوم انسانی، متمایز می‌شود.

۳. هدف و غایت دانش تفسیر اقتصادی قرآن کریم، یافتن دیدگاه‌های قرآنی در رابطه با تدبیر جامعه برای جهت بخشیدن به وضع اقتصادی کشور و رفع مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی آن، به منظور رسیدن به اهداف عالی انسانی است.

۴. مفسر برای ورود به حوزه تفسیر اقتصادی قرآن کریم، باید دارای آگاهی‌های ویژه‌ای همچون آشنایی با آخرین نظریه‌های علم اقتصاد و پرسش‌های کنونی آن، آگاهی از شبهات مستشرقان و روشنفکران در موضوع‌های اقتصادی قرآن کریم، اطلاع جامع از حقوق اقتصادی در اسلام و آگاهی از شرایط و ارزش‌های اقتصادی حاکم در عصر نزول باشد.

۵. رویکردهای مختلفی می‌توان در ذیل گرایش اقتصادی در تفسیر قرآن کریم تعریف کرد، مانند: رویکردهای توصیفی - تبیینی، خرد، کلان، هنجاری - توصیه‌ای، هنجاری - تبیینی و رویکرد سیستمی. این رویکردها باید بر مبنای واحدی تعریف شوند و در یک راستا عمل کنند تا در کشف آموزه‌های قرآنی در حوزه اقتصاد، تأثیر بیشتری داشته باشند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۶۵)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.

ایروانی، جواد (۱۳۸۴)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

بحرانی، هاشمین سلیمان (۱۴۱۵.ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه.

بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ربا، (۱۳۸۱).

بیک محمدی، جواد (۱۳۹۱)، قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، تهران: دانشگاه امام صادق. ۷.

پیتر، آندر (۱۳۶۰)، مارکس و مارکسیسم، مترجم: ضیاع‌الدین ضیائیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جزایری، احمد بن اسماعیل (۱۴۰۴.ق)، قلند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.

حسن‌زاده، صالح، (تابستان ۱۳۸۳)، "موضوع علم و معیار تمایز علوم"، مجله آینه معرفت، شماره ۳، ص ۱۱۳ - ۱۳۶.

حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴.ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳.ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: اسلامی.

خسروپناه، عبدالحسین، "الگوی حکمی اجتهادی علوم انسانی"، مجله جاویدان خرد، شماره ۱۹، ۱۳۹۰، صص ۲۹-۶۶.

خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، نرم افزار جامع فقه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، چاپ چهارم، قم: سمت.

رازی، قطب‌الدین (بی تا)، شرح مطالع الانوار فی المنطق، قم: انتشارات کتبی نجفی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲.ق)، مفردات الفاظ قرآن، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.

رجایی، سیدمحمدکاظم (زمستان ۱۳۸۹)، "تقاضای سازگار با مبانی و ارزش های اسلامی"، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۴۰، ص ۲۹-۵۶.

_____ (۱۳۸۱)، مجمع موضوعی اقتصادی قرآن کریم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

شفیعی مازندرانی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، اقتصاد در خانواده - اخلاق معیشتی در قرآن و سنت، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

- صدر [شهید]، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴.ه.ق)، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳)، چاپ اول، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- طباطبائي، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، المیزان في تفسير القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۴)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، چاپ دوم، تهران: صدرا.
- طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طريحي، فخرالدين (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: کتابفروشي مرتضوي.
- عزيزي ابرقويي، ابو الفتح (۱۳۹۲)، انفاق در قرآن كريم، تهران: دانشگاه امام صادق ۷.
- علوي مهر، حسين (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرايش‌هاي تفسيري، چاپ اول، قم: اسوه.
- فخر رازي، محمدبن عمر (۱۴۱۰.ه.ق)، التفسير الكبير، بيروت: دارالفکر.
- قربان زاده، محمد و رستمي، محمدحسن (تابستان ۱۳۹۱)، "گستره گرايش‌هاي تفسيري"، مجله آموزه‌هاي قرآني، شماره ۱۵، ص ۱۵۵-۱۷۲.
- متين، علي (۱۳۹۰)، رزق و روزي از ديگاه قرآن و حديث، تهران: چاپ و نشر بين الملل.
- مصطفوي، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معلمي، سيدمهدي (زمستان ۱۳۹۱)، "دلالت آيه فيء بر قاعده فقهي نفي تداول ثروت"، مجله علمي پژوهشي معرفت اقتصاد اسلامي، شماره ۷،
- مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۵۳)، تفسير نمونه، تهران: دارالکتب الاسلاميه.
- مؤدب، سيد رضا (۱۳۸۰)، روش‌هاي تفسير قرآن، چاپ اول، قم: اشراق.
- مير معزي، سيدحسين (۱۳۷۸)، نظام اقتصادي اسلام، اهداف و انگيزه‌ها، تهران: مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه معاصر.
- هادوي تهراني، مهدي (۱۳۸۸)، ساختار كلي نظام اقتصادي اسلام در قرآن، تهران: خانه خرد.
- هادوي تهراني، مهدي (۱۳۷۸)، مکتب و نظام اقتصادي اسلام، قم: مؤسسه فرهنگي خرد
- خاندوزي، سيداحسان (۱۳۹۰)، مدينه عادلہ: مقدمه اي بر نظريه عدالت اقتصادي در قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق ۷.
- هادوي نيا، علي اصغر (۱۳۸۷)، فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان بيني قرآن كريم)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.